روزنه

## پرونده‌های کریمی‌قدوسی روی میز هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان

● سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان از بررسی شکایت بروجردی از کریمی‌قدوسی، دو عضو کمیسیون امنیت ملی، در جلسه دیروز این کمیسیون خبر داد و گفت: «شکایتی از آقای کریمی‌قدوسی درباره انتشار فیلمی درخصوص آقای دری‌اصفهانی در صحن مجلس شده بود که هیئت نظارت این کار را خلاف وظایف نمایندگی تشخیص نداد».

به گزارش «ایسنا»، محمدجواد جمالی، در توضیح این جلسه گفت: «دستور اول شکایت آقای بروجردی از آقای کریمی‌قدوسی به دلیل انجام یک مصاحبه بود. ظاهرا بنا بر اختلاف‌نظرهایی که بین آقای بروجردی و آقای کریمی‌قدوسی در مجالس قبلی وجود داشته، شکایتی به محاکم قضائی شده که برای آن حکم صادر شده است. آقای بروجردی تاکید داشت که با توجه به صدور حکم قضائی دیگر نباید آقای کریمی‌قدوسی در این موارد علیه او مصاحبه و صحبت کند».

او افزود: «برای بررسی این شکایت آقای کریمی‌قدوسی در جلسه هیئت حاضر شد و این توضیح را داد که صحبت‌هایی به نقل از او علیه آقای بروجردی مطرح شد که او این حرف‌ها را مطرح نکرده و سایت عمارنیوز منتشر کرده است. در نهایت مقرر شد که در جلسه بعدی آقای بروجردی به‌عنوان شاکی حضور پیدا کرده و موضوع را توضیح دهد».

سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان ادامه داد: «پرونده دیگر مربوط به شکایت دیگری از آقای کریمی‌قدوسی درباره دلیل پخش فیلمی در صحن مجلس درخصوص آقای دری‌اصفهانی بود؛ از آنجا که پیش از این فیلم در کمیسیون امنیت ملی به نمایش گذاشته شده و بخشی از آن را صداوسیما پخش کرده و محتوای آن محرمانه نبوده است، این اقدام آقای کریمی‌قدوسی خلاف وظایف نمایندگی تشخیص داده نشد؛ کمااینکه آقای دری‌اصفهانی هم به پنج سال زندان به جرم جاسوسی محکوم شده است».

جمالی درباره سومین پرونده مورد بررسی در هیئت نظارت گفت: «در زمان استیضاح آقای ربیعی، وزیر وقت کار، موارد اتهامی مطرح شد که در جلسه به یک مورد آن پرداختیم. بحثی از یکی از نمایندگان بیان شده بود که به او پیشنهاد ۵۰۰ میلیون تومان پول را داده بودند با این توضیح که او ۲۰ میلیون را خرج خیریه کرده و ۴۸۰ میلیون باقی‌مانده را هرطور می‌تواند استفاده کند. دراین‌باره با شهودی که در استان لرستان بودند به صورت تلفنی صحبت شد و اطلاعات را گرفتم. همچنین یکی از کسانی که به او اتهام زده شده بود نیز در جلسه آمد و این اتهامات را رد کرد. با توجه به گستردگی ابعاد این صحبت‌ها قرار شد در جلسات بعد بررسی بیشتری صورت بگیرد».

او در پایان درباره بررسی شکایت تعدادی از نمایندگان از حیدری و سلحشوری، نمایندگان تهران، به دلیل نطق اخیرشان گفت: «این موضوع مراعا است، چون هیئت هنوز فرصت بررسی پیدا نکرده».

### ماجرای فیلمی که کریمی‌قدوسی پخش کرد

ماجرای جلسه سؤال جواد کریمی‌قدوسی، نماینده عضو جبهه پایداری مشهد، از جواد ظریف، وزیر امور خارجه، هنوز با وجود سپری‌شدن چند روز همچنان ادامه دارد و در یکی از آخرین تحولات، علیرضا رحیمی، عضو اصلاح‌طلب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، از طرح نخستین سؤال از وزیر دفاع دولت دوازدهم در این رابطه خبر داد و گفت امیر حاتمی قرار است در آینده نزدیک با حضور در مجلس به سؤال او و ۳۱ نماینده دیگر درباره علت پخش مستند محرمانه توسط کریمی‌قدوسی در صحن علنی مجلس توضیح دهد. این سؤال اما در حالی مطرح شده که روز گذشته و درست یک روز پس از طرح آن توسط رحیمی، خبرگزاری فارس نیز نسخه کامل این فیلم مستند را روی خروجی خود قرار داد و حال مستند محرمانه‌ای که به گفته رحیمی پیش از این، توسط اطلاعات سپاه در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و آن هم به صورت محرمانه پخش شده، به طور گسترده منتشر شده و حالا نه‌تنها اعضای کمیسیون امنیت ملی و باقی نمایندگان مجلس، بلکه هر مخاطب ایرانی و خارجی قادر به دانلود و تماشای آن است. حال آنکه به گفته رحیمی، اتهاماتی در این مستند علیه برخی افراد مطرح شده، بدون آنکه امکان دفاع برای آنها فراهم باشد. رحیمی که خود در هیئت‌رئیسه مجلس نیز عضویت دارد، با استناد به ماده ۷۸ آیین‌نامه داخلی مجلس می‌گوید که باید فرصت دفاع برای این افراد فراهم شود و مهم‌تر از آن، تأکید دارد که وزیر دفاع به‌عنوان متولی مسائل دفاعی و امنیتی باید پاسخ‌گوی انتشار این فیلم باشد.

politics@sharghdaily.ir

واکنش محمدرضا باهنر به متهم‌کردن جناح چپ در انفجار نخست‌وزیری:

# اتهام‌زنی برای رقابت‌های سیاسی

**شرق:** خطی را که مدتی است جریان اصلی جناح اصولگرا و رسانه‌هایشان دنبال می‌کنند، محمدرضا باهنر یکسره بر باد داد. اصولگرایان مدت‌هاست سعی دارند جناح چپ آن زمان یا اصلاح‌طلبان امروز به‌ویژه چهره‌هایی مانند سعید حجاریان، بهزاد نبوی، محمد عطریانفر، خسرو تهرانی و محسن سازگارا را به دست‌داشتن در انفجار نخست‌وزیری در شهریور سال ۶۰ متهم کنند.

حالا محمدرضا باهنر، برادر نخست‌وزیر وقت -محمدجواد باهنر- که در آن انفجار به‌همراه محمدعلی رجایی، رئیس‌جمهوری و تعدادی دیگر شهید شد، آب پاکی را روی دست همه رفقای خود ریخته و در بخشی از گفت‌وگوی خود به ایرنا گفته است: «پیگیر پرونده انفجار دفتر نخست‌وزیری بودم. عده‌ای می‌خواستند چهره‌های مشهور دولت وقت را متهم به دست‌داشتن در این ترور کنند. پس از مدتی احساس کردم این اتهام‌زنی‌ها به رقابت‌های سیاسی ارتباط دارد. عده‌ای می‌خواستند بگویند یکسری از مسئولان رده‌بالای کشور در این ترورها دست دارند. پرونده را از اول تا آخر خواندم، «خیلی شم حقوقی و اطلاعاتی ندارم اما واقعیت این است من در این پرونده چیزی استشمام نکردم... می‌خواستند برخی چهره‌های دولت وقت را به دست‌داشتن در بمب‌گذاری متهم کنند. احساس کردم این موضوع به رقابت‌های بی‌ربط سیاسی ارتباط دارد و می‌خواهند یکدیگر را متهم کنند». اصولگرایان در این سال‌ها اصرار داشته‌اند که بگویند چون برخی چهره‌های جناح چپ در آن زمان جزء متهمان پرونده انفجار بودند یا از آنها بازجویی شده بود، از طریق موسوی‌خوئینی‌ها، پدر معنوی چپ‌های مسلمان آن زمان به امام فشار آوردند تا دستور مسکوت‌گذاشتن پرونده را بدهد و امام نیز چنین کرد. نکته تأمل‌برانگیز این است که درحالی‌که ماجرای انفجار نخست‌وزیری و حزب جمهوری اسلامی کاملا همسو و شبیه هم بودند اما اصولگرایان در ماجرای انفجار حزب کاملا سکوت کرده و اتهام جدیدی برای طرح ندارند.

باهنر پیش‌تر هم درباره این موضوع صحبت کرده بود. او شهریور سال پیش به خبرآنلاین گفته بود: «در مورد پرونده عوامل هشتم شهریور، گرایش‌های سیاسی، بحث‌ها و حرف‌هایی مطرح بود که فکر می‌کنم طرح دوباره آنها به نفع هیچ‌کس نیست. درباره این پرونده مطالعاتی کرده بودم. در ضمن دوستانی که روی این پرونده کار می‌کردند، ممکن است شواهد نادری داشته باشند، اما در کلان پرونده به نظر می‌رسید که مسئله چشمگیر یا دستگیری جدی حقوقی که یک عده‌ای را بتوان متهم و دخیل دانست، آن‌هم در میان مقامات وقت کشور، وجود نداشت و ماجرا مقداری تحت تأثیر مسائل هیجانی و عاطفی آن زمان بود. معتقدم این مقوله را اگر به رسانه‌ها نکشانیم، شاید به نفعمان باشد».

اما به نظر می‌رسد برخلاف باهنر برخی اصولگرایان به عمد یا به سهو همچنان تحت‌تأثیر مسائل هیجانی و عاطفی آن زمان هستند. «پرونده مسکوت» و «صخره سخت» دو کتابی است که با همین هدف یعنی متهم‌کردن جناح چپ آن زمان در برخی رخدادهای امنیتی از سوی حسین روزی‌طلب و محمدمهدی اسلامی نگاشته شده است. ناشر آن‌هم سازمان اسناد انقلاب اسلامی با ریاست روح‌الله حسینیان بوده است. آنها چند شماره مجله رمز عبور را هم با همکاری سازمان اسناد انقلاب اسلامی و با همان خط فکری منتشر کرده‌اند. رسانه‌هایی مانند فارس، تسنیم، جهان‌نیوز، بولتن‌نیوز، مشرق و... در این سال‌ها همین خط را دنبال کرده‌اند.

اما آنچه محمدرضا باهنر، جانشین اسدالله عسگراولادی در جبهه پیروان خط امام و رهبری به ایرنا گفته، همانی است که بارها خود حجاریان و بهزاد نبوی و دیگر چهره‌ها اصلاح‌طلب و حتی فعالان سیاسی منصف به آن اشاره کرده‌اند؛ بهره‌برداری نه صرفا سیاسی بلکه جناحی از یک فاجعه انسانی و ملی.

بهزاد نبوی در گفت‌وگویی گفته است: «متأسفانه پرونده انفجار دفتر نخست‌وزیری از همان روز اول سیاسی شد. سال ۸۱ تا ۸۲ که به عمره مشرف شده بودم، در مکه به توصیه خبرنگار روزنامه رسالت که همراه کاروان ما بود، با مرحوم عسگراولادی دیداری در اتاق این خبرنگار داشتم. این دیدار زمانی بود که عده‌ای پرونده پتروپارس را علیه من علم کرده بودند و می‌گفتند پتروپارس یک شرکت خصوصی خارجی است و ایشان (بهزاد نبوی) رئیس هیئت‌مدیره‌اش است! در آن دیدار به آقای عسگراولادی گفتم به دوستانتان بفرمایید لازم نیست بهزاد نبوی حتما دزد، فاسدالاخلاق، جاسوس، خائن و قاتل باشد تا افکارش فاسد و مسموم و غلط باشد، می‌تواند هیچ‌کدام از اینها نباشد ولی افکارش فاسد و غلط باشد. ایشان نظر مرا کاملا تأیید کردند. البته بعدها خودشان هم این مسئله را رعایت نکردند. در سال‌های اول دهه ۹۰ که من در زندان بودم، از ایشان مصاحبه‌ای خواندم که گفته بودند: «امام پرونده نخست‌وزیری را مختومه نکردند بلکه مسکوت گذاشتند». خدا رحمت کند ایشان را این ماجرا را خدمتتان عرض کردم تا متوجه دلایل این پرونده‌سازی‌ها بشوید. این جماعت بر این باورند که برای زدن صدام باید به هر مکر و حیله و نیرنگی متوسل شد؛ چون صدام خطری برای اسلام و مسلمین است و در قرآن آمده: «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» این جماعت اول بهزاد نبوی را به صدام تبدیل کرده و سپس او را شایسته هر تهمت و افترایی می‌دانند! همین پرونده پتروپارس که اشاره کردم، بعد از اینکه از مجلس بیرون آمدم و دیگر کاره‌ای نبودم، فروکش کرد و هیچ‌کس دنبالش را نگرفت.

### کذب محض است

احمد سالک، عضو جامعه روحانیت مبارز در مصاحبه‌ای گفته بود که بعد از انفجار نخست‌وزیری، بهزاد نبوی آن‌قدر که نگران مرگ کشمیری بود، از شهادت رجایی ناراحت نشده بود. بهزاد نبوی در پاسخ گفته است: «توضیح آقای سالک شبیه طنز و مزاح بود! گفته است: «ساعتی بعد از انفجار، به داخل ساختمان نخست‌وزیری رفتم، نبوی را دیدیم که مضطرب است، یقه‌اش را چسبیدم، گفت کشمیری شهید شد؛ اصلا سراغی از رجایی و باهنر نگرفت». (نقل به مضمون) آدم گاهی بعضی چیزها را نمی‌تواند تکذیب کند، معلوم است که این حرف خلاف است که من، آن هم به فردی که اگر روزی در خیابان ببینم نمی‌شناسمش بگویم «رجایی و باهنر هیچی، کشمیری را بچسب؟!» یعنی من با آن‌همه ارتباط و نزدیکی‌ای که با رجایی داشتم، نگرانش نبودم؟ بگذارید این را هم بگویم. در اولین جایی که شب اول انفجار مطرح شد که نبوی قاتل رجایی است، در حزب جمهوری اسلامی شاخه اصفهان بود؛ یعنی روز هشتم شهریور، ساعت سه بعدازظهر انفجار رخ می‌دهد و ساعت هشت یا ۹ شب در حزب اصفهان برای اولین‌بار مطرح می‌شود که نبوی قاتل رجایی است و از قضا آقای سالک، عضو شاخه اصفهان حزب بود! درهرحال هیچ تحقیقی از سه بعدازظهر تا هشت شب نمی‌تواند نشان دهد که چه کسی قاتل رجایی بوده است! اگر جایی هم قرار بود تحقیقات صورت بگیرد در تهران بوده، چطور این حرف از اصفهان درآمد؟! معلوم است که عده‌ای مثل ایشان (احمد سالک) دنبال این بوده‌اند که من قاتل رجایی معرفی شوم. چنان‌که گفتم، من آقای سالک را اگر الان ببینم نمی‌شناسم. نمی‌دانم مبنای این حرف‌ها چیست؟ من هیچ‌وقت با ایشان ارتباط نداشتم؛ این حرف‌ها کذب محض است، اصلا انفجار ساعت سه بعدازظهر شهریور اتفاق افتاد و ما دو بعدازظهر فردای آن روز فهمیدیم انفجار کار کشمیری بوده است. من بعید می‌دانم که آقای سالک در این ۲۴ ساعت با من روبه‌رو شده باشد. در آن وضعیت همه منطقه بسته شده و تحت محاصره نظامی بود. حتی صبح فردای انفجار هم که تشییع‌جنازه شهدای هشتم شهریور برگزار می‌شد، من هم اطلاعی از نحوه برگزاری مراسم نداشتم. از نظر پرسنل اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری، کشمیری از کارکنان خیلی خوب نخست‌وزیری محسوب می‌شد و کارکنان اداره دوم هم اکثرا قبولش داشتند. دو نفر از کارکنان دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری که با او کار کرده بودند، می‌گفتند: «روز تشییع‌جنازه، از میان نمایندگان مجلس به یک روحانی گفتیم از جنازه کشمیری هیچ چیزی نمانده است، چه‌کار کنیم؟ آن روحانی هم گفت کمی خاکستر محل انفجار را جمع کنید و به‌جای جنازه بریزید داخل کیسه و ما همان کار را کردیم». همین مسئله موجب اتهام «جنازه‌سازی» شد.

> **موسوی خوئینی‌ها:**
> **امام فرمودند این پرونده را مختومه کنید و از این پس هیچ‌کس حق ندارد این پرونده را باز کند. گفتنی است که حضرت امام از آغاز جلسه، قیافه‌ای برافروخته داشتند و عصبانی به نظر می‌رسیدند. برای من هرگز معلوم نشد که چرا حضرت امام این برخورد را کردند. آیا از جریان رسیدگی به پرونده ناخرسند بودند؟ من از جریان رسیدگی چیزی خدمت امام گزارش نکرده بودم**

جمعی از اصولگرایان تا آنجا پیش رفته‌اند که خواب محاکمه اصلاح‌طلبان را هم در این ماجرا دیده‌اند. محمدحسین صفارهرندی، وزیر ارشاد دولت احمدی‌نژاد، زمانی از احتمال محاکمه سعید حجاریان و بهزاد نبوی به دلیل دست‌داشتن در ترور محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر اسبق ایران، خبر داده بود. او از مفتوح‌بودن پرونده سعید حجاریان و بهزاد نبوی به دلیل آنچه که وی کوتاهی این دو نفر در تدارک «شرایط امنیتی مناسب» در دوران مسئولیتشان در دولت شهید رجایی نامید، خبر داده بود. ماجرا البته در حد همان سخنرانی صفارهرندی در حاشیه یک همایش باقی ماند و جلوتر نرفت.

### رئیسی درخواست کرد پرونده به جریان بیفتد

موسوی‌خوئینی‌ها که زمانی دادستان کل کشور بود، درباره علت مسکوت‌ماندن پرونده انفجار نخست‌وزیری گفته است: «... جناب آقای رازینی مسئول دادسری انقلاب، بخش سیاسی و گروهک‌ها بودند. پس از ایشان آقای رئیسی مسئولیت این بخش را برعهده داشتند. الان به‌طور واضح در خاطرم نمانده است که بنا به درخواست چه کسی پرونده انفجار نخست‌وزیری به جریان افتاد لیکن علی‌القاعده باید آقای رئیسی این درخواست را کرده باشند... آقای رئیسی، فرد یا افرادی را مأمور پیگیری پرونده کرد و آنان دستور بازداشت آقایان محسن سازگارا و خسرو تهرانی و... را صادر کردند و بازجویی‌ها آغاز شد و من هر چندروز یک‌بار از آقای رئیسی جریان پیشرفت کار را جویا می‌شدم و گاهی خودم به اوین می‌رفتم و اوراق بازجویی را مطالعه می‌کردم و در تمام مدت بازجویی از طرف بازجوها یا آقای رئیسی گزارشی از اعمال نفوذ برای اخلال در امر رسیدگی به پرونده، داده نشد. من هرچند از کار دادسرا در انجام وظایفشان حمایت می‌کردم لیکن وقتی نتایج کار بازجوها را ملاحظه می‌کردم، به‌هیچ‌وجه در اوراق بازجویی چیزی جهت توجیه انتساب جرم به بازداشت‌شدگان وجود نداشت. نه در پاسخ‌های متهمان و نه از جانب دادسرا مطلبی قابل‌توجه وجود نداشت. بدیهی است تعیین‌تکلیف نهایی درباره پرونده و کیفرخواست صادره توسط دادسرا، برعهده دادگاه بود. لیکن آنچه من در اوراق پرونده دیدم هرگز نمی‌توانست دادگاه را جهت صدور حکم به مجازات متقاعد کند... در این میان، روزی مرحوم حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج سیداحمدآقا، رحمت‌الله علیه، از طریق تلفن اطلاع داد که حضرت امام فرموده‌اند شما و آقای موسوی‌اردبیلی و آقای رئیسی بیایید کاری با آقایان دارم.

الان در خاطرم نمانده است که مرحوم حاج احمدآقا (ره) موضوع موردنظر حضرت امام را نیز گفتند یا نه، به‌هرحال طبق قرار، ما سه نفر خدمت حضرت امام رسیدیم و حاج احمدآقا نیز در جلسه حضور داشتند. من اظهارات حضرت امام (ره) در این جلسه را پس از مراجعت از خدمت امام مکتوب کردم و به آقای رئیسی دادم تا به‌عنوان سند روی پرونده گذاشته شود و آقای رئیسی نیز این کار را کردند... پس از حضور ما خدمت امام، ایشان فرمودند که من از اول که این پرونده (اشاره به پرونده انفجار نخست‌وزیری) تشکیل شد می‌دانستم که عده‌ای می‌خواهند با این کار افراد به‌دردبخور را از ما بگیرند و خودشان جای آنها را بگیرند... بار اول پس از ارتحال حضرت امام بنا به درخواست مجمع روحانیون مبارز بود. توضیح آنکه در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس سوم، آقای بهزاد نبوی ردصلاحیت شد. وقتی مجمع جویای علت آن شد، گفتند به استناد پرونده انفجار نخست‌وزیری. برای روشن‌کردن ماجرای این پرونده جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین کروبی که در آن زمان رئیس مجلس هم بودند، از جناب آقای رئیسی که همچنان مسئول دادسرای انقلاب بودند خواستند که تصویری از آن مکتوب را در اختیار مجمع قرار دهند و ایشان هم انجام دادند و مجمع یک نسخه از آن را برای شورای نگهبان ارسال کرد. سپس امام فرمودند این پرونده را مختومه کنید و از این پس هیچ‌کس حق ندارد این پرونده را باز کند. گفتنی است که حضرت امام از آغاز جلسه، قیافه‌ای برافروخته داشتند و عصبانی به نظر می‌رسیدند. برای من هرگز معلوم نشد که چرا حضرت امام این برخورد را کردند. آیا از جریان رسیدگی به پرونده ناخرسند بودند؟ من از جریان رسیدگی چیزی خدمت امام گزارش نکرده بودم. آیا آقایان موسوی‌اردبیلی یا رئیسی گزارشی داده بودند؟ بسیار بعید می‌دانم. به‌هرحال بنا به دستور صریح حضرت امام پرونده مختومه شد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **چرا میوه ارزان نشد؟** قبل از کاهش قیمت دلار، بیشتر صنف‌ها از جمله میوه‌فروشان به اعتراض مشتریان در پاسخ گرانی، دلار را بهانه‌ای برای افزایش قیمت‌ها اعلام می‌کردند. اکنون که قیمت دلار کاهش یافت، چرا قیمت مایحتاج ضروری و میوه ارزان نشد؟

مصطفی کریمی از غرفه‌داران بازار بزرگ میوه و تره‌بار مرکزی تهران

● حالا که قیمت دلار دارد به تعادل می‌رسد و مردم امیدوار به اصلاح قیمت‌ها هستند و نقدینگی از بازار دلالی ارز و طلا که به اقتصاد آسیب می‌زند، به سوی بازار سرمایه‌گذاری سرازیر می‌شود چرا یک‌مرتبه بورس این‌همه ریزش غیرطبیعی می‌کند و مردمی که به هزار امید در جای صحیح سرمایه‌گذاری می‌کنند یکباره باید شاهد پودرشدن سرمایه‌شان باشند آن هم در جایی که همه مسئولان مردم را به سرمایه‌گذاری در بورس تشویق می‌کنند؟ از دولت محترم تقاضا داریم به سرعت وارد این مسئله شود و هرچه زودتر تدبیری اندیشیده شود تا جلوی رانت‌بازی و سیاسی‌بازی در بورس گرفته شود و حالا که امید در مردم دوباره در حال برگشت است، به کلی از مسئولان ناامید و مستأصل نشوند. تا دیر نشده نگذارید بلای ارز و طلا سر بورس بیاید و مردم به کلی قطع امید کنند و دیگر هیچ چیزی را باور نکنند.

کیایی از تهران

● **طرح‌های شتاب‌زده:** دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند تا با نوشتن مشق و تکلیف شبانه باسواد شوند. حذف مشق، طرح شتاب‌زده‌ای است که باید مسئولان وزارت آموزش و پرورش برای این مسئله کارشناسانه اقدام کنند.

لیلا از تهران

● **پل مکانیزه نصب کنند:** میدان شهدا، ابتدای خیابان پیروزی پل عابرپیاده تعبیه شده، اما هیچ کس از روی آن رفت‌وآمد نمی‌کند. به دلیل اینکه ایستگاه مترو شهدا، کمی بالاتر از میدان شهداست و مسافران برای اینکه زودتر به ایستگاه برسند، از زیر پل که هر لحظه احتمال بروز حوادث رانندگی وجود دارد، عبور می‌کنند. از مسئولان سازمان ترافیک شهرداری تهران تقاضا داریم برای پیشگیری از بروز هرگونه حادثه ناگوار رانندگی، در محل یادشده پل مکانیزه نصب کنند.

فاطمه فرخی‌پور